



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۱۰، بهار ۱۴۰۰

[www.qpjjournal.ir](http://www.qpjjournal.ir)

ISSN : 2645-6478

## جایگاه ادبی هاتفی در آئینه پژوهش‌های معاصر

دکتر سیدعلی کرامتی مقدم<sup>۱</sup>

سیده آمنه حسینی جهانگیر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

(از ص ۱۲۵ تا ص ۱۴۳)



[20.1001.1.26456478.1400.4.10.1.6](https://doi.org/10.1.1.26456478.1400.4.10.1.6)

### چکیده

هاتفی خرجردی از شاعران بزرگ اواخر دوره تیموری است. اگر چه در آغاز کار مقلد شاعران بزرگی چون فردوسی و نظامی بود و به تبعیت از آنان آثاری را خلق کرد ولی در بسیاری موارد توانست از حد تقلید فراتر رود و ابتکاراتی داشته باشد. خلاقیت‌های ادبی هاتفی در شعر و آثارش سبب شده است که بعدها او را از شعرای زبردست قرن نهم و دهم هرات و از شاعران صاحب سبک به شمار آورند و در تذکره‌ها از او با عناوینی چون «زبدۀ شعرا» و «افصح فصحا» یاد کنند. اگرچه هاتفی شاعر بزرگی بوده و در عهد خود شهرتی کسب کرده است ولی در سده اخیر که اوج پژوهش‌های ادبی به سبک علمی جدید است، پژوهشگران کمتر به جایگاه ادبی هاتفی و نقد و بررسی اشعارش پرداخته‌اند. در این مقاله تلاش شده است تا مشخص شود که پژوهش‌گران معاصر چه جایگاهی برای هاتفی قائل شده و چه تصویری از او در ذهن خوانندگان ترسیم نموده‌اند؟ برای رسیدن به این هدف، مقاله‌هایی که در دوره اخیر درباره هاتفی خرجردی نگارش یافته، نقد و بررسی شده و جایگاه ادبی هاتفی بر مبنای مباحث مطرح شده پژوهش‌گران تبیین و توصیف شده است. در پژوهش‌های اخیر توصیف قدرت خیال، بدیهه‌گویی، توفیق هاتفی در حماسه‌سرایی، اشاره به نوآوری‌ها، محاسن شعری و پرداختن به زیبایی‌های ادبی و سبکی او از مهم‌ترین نکات طرح شده درباره آثار هاتفی به شمار می‌رود.

**کلیدواژه:** هاتفی خرجردی، جایگاه ادبی، پژوهش‌های معاصر و طبقه‌بندی موضوعی.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

<sup>۱</sup>. استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی مشهد، مشهد، ایران. // [karamatiseyedali@yahoo.com](mailto:karamatiseyedali@yahoo.com)

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، ایران. // [ak622@yahoo.com](mailto:ak622@yahoo.com)



## ۱- مقدمه

عبدالله هاتفی خرجردی از شاعران بزرگ اواخر دوره تیموری و از خواجه زادگان صاحب جاه خرجرد و خواهرزاده جامی و از شاگردان وی (ر.ک. هاتفی، ۱۳۹۲: ۱۶) بوده است. تحصیلات مقدماتی خود را در خرجرد به انجام رساند. پس از آن به هرات رفت و سال‌ها از محضر دایی خود بهره‌مند شد و در کنف حمایت و تربیت او روزگار گذرانید. در ابتدای شباب علاقه وافری به سفر داشت و در اوان جوانی از وطن خروج نموده سیر عراق و آذربایجان به اتفاق میرهمایون تبریزی کرده‌اند. (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۲) هاتفی را به استناد ابیاتی از لیلی و مجنون، عارفی شیعی مذهب به شمار آورده‌اند:

یا رب که کنی خجسته نامم در دین دوازده امامم  
بخشای به هاتفی ز کوثر یک جرعه به حق آل حیدر  
گردد چون زبان به گفتگویم مداح علی و آل اویم

(هاتفی، ۱۳۸۷: ۱۱)

قدیم‌ترین کتابی که از هاتفی یاد کرده، «مجالس النفائس» است. سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی وی را عزت بسیار می‌نموده‌اند و مظفر حسین میرزا و کپک میرزا و میرزا بدیع‌الزمان، شاهزادگان تیموری و نیز ملا آصفی، شاعر معروف، با وی نهایت اتحاد و یگانگی داشته‌اند و همیشه تعظیم و تکریم هاتفی را به جا آورده‌اند؛ در هیچ یک از سروده‌های خود مدح پادشاهی نکرده است؛ برخی از آثار خود را به درخواست بزرگان یا به نام آنان به نظم درآورده است؛ برای مثال: هاتفی حماسه تیمورگورکان را «حسب‌الحکم میرزابدیع‌الزمان بن سلطان حسین بایقرا نظم نموده است.» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۴) و آن را به نام «سلطان حسین بایقرا» (صفا، ۱۳۶۹: ۳۶۱) کرده است.

هاتفی از شعرای زبردست قرن نهم و دهم هرات و موجد سبکی است که بعد از او تا سه قرن در تمام مراکز دری و فارسی برقرار مانده است؛ برای نمونه: تمرنامه حماسه‌ای تاریخی به شمار می‌رود که به تقلید از شاهنامه و اسکندرنامه نظامی سروده شده ولی هاتفی به جای توسل به اطلاعات علمی و اصطلاحات فنی، بیشتر به آوردن مضمون‌های تازه و تشبیهات دقیق در اوصاف اشخاص و میدان‌های جنگ و صف‌آرایی‌های قتال و امثال این امور توجه داشته است. توصیف‌های هاتفی تازگی‌هایی دارد و از لحاظ زبان و بیان و محتوا و اندیشه بدیع است. (ر.ک. بساک و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۷)

۱-۱- مسئله پژوهش و فرضیه: مسئله آن است که هاتفی چه جایگاهی در پژوهش‌های معاصر دارد؟ به نظر می‌رسد پژوهشگران بر مبنای آثار به جای مانده از هاتفی، به جنبه‌های مختلف شخصیتی و افکار هاتفی پرداخته و نکات ارزشمندی را درباره شناخت او بیان کرده باشند.



۲-۱- **ضرورت و اهداف پژوهش:** شناخت و معرفی هاتفی برای دانشجویان و پژوهشگران مفید است. هاتفی از شاعران تأثیرگذار در ادب فارسی است که شناخت اندیشه‌های او می‌تواند گوشه‌ای از عظمت و غنای فرهنگی این خطه و دیار را تبیین نماید.

### ۳-۱- پیشینه پژوهش:

اگر چه هاتفی خرجردی شاعر توانمندی بوده ولی درباره او پژوهش زیادی انجام نشده است؛ در آثار تاریخی و ادبی به طور پراکنده و مختصر به هاتفی و آثارش اشاره شده است؛ برجسته‌ترین پژوهش‌ها درباره او عبارت است از: حسن بساک و محمدرضا قاسم‌زاده (۱۳۹۳) مقاله «تصحیح انتقادی تمرنامه هاتفی؛ متنی حماسی متأثر از شاهنامه» را نوشته‌اند که در ش ۲۳ مجله متن‌شناسی ادب فارسی چاپ شده است.

علی آل‌داود (۱۳۸۷) مقاله «شاهنامه هاتفی خرجردی حماسه فتوحات شاه اسماعیل صفوی»، را در ضمیمه‌نامه فرهنگستان، شماره ۳۳ چاپ کرده است.

سمیرا بامشکی و فاطمه رضوی (۱۳۹۳) مقاله «مقایسه‌ی خسرو و شیرین نظامی و شیرین و خسرو هاتفی» را در پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۲۳ منتشر کرده‌اند.

سیاوش مرشدی و علی اصغر حلبی (۱۳۹۱) مقاله «تأثیر اشعار جامی بر تصویرهای شاعرانه هفت‌منظر هاتفی» را در شماره ۲۷ مجله مطالعات نقد ادبی به چاپ رسانده‌اند.

در مردادماه ۱۳۹۶ نیز همایش نکوداشت هاتفی خرجردی در تربت جام برگزار و مجموعه مقالات آن به کوشش علیرضا قیامتی در طنین قلم چاپ شده است.

۴-۱- **شیوه پژوهش:** این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای نوشته شده است. حدود ۵۸ اثر درباره هاتفی مطالعه شده و با طبقه‌بندی موضوعی مباحث، جایگاه ادبی هاتفی بررسی و تحلیل شده است.

### ۲- شخصیت ادبی هاتفی:

مهم‌ترین ویژگی‌ها و مباحثی که درباره شخصیت ادبی هاتفی مطرح شده، عبارت است از:

### ۱-۲- نقد ذوق ادبی و توانمندی‌های هاتفی

۲-۱-۱- **قدرت خیال هاتفی:** ستایش قدرت خیال هاتفی در صحنه‌آرایی داستان‌های عاشقانه از مهم‌ترین نکاتی است که پژوهشگران بدان پرداخته‌اند؛ برای نمونه: «مناظره خسرو پرویز ساسانی با فرهاد شاید زیباترین صحنه غم‌نامه شیرین و فرهاد باشد که هم از نوک خامه نظامی گنجوی بر پرده خونبار و زرتار دل اهل نظر چکیده و هم به یاری پرده ابریشمین بال خیال عبدالله بن محمد هروی متخلص به هاتفی- اهل خرجرد جام شهپر گشوده است.» (عناصری، ۱۳۷۰: ۱۲۱۶) نویسنده تذکره میخانه درباره قدرت شاعری هاتفی در تمرنامه گفته است: «الحق که در آن مثنوی شاعری کرده و آن چه لازمه سخنوری است دقیقه‌ای فروگذار ننموده.» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۵)



۲-۱-۲- درک هاتفی از آثار پیشینیان: اگرچه برخی از پژوهش‌گران ذوق ادبی هاتفی را ستوده‌اند ولی برخی نیز درباره درک نادرست هاتفی از آثار ادبی پیشینیان نوشته‌اند: «هاتفی نفهمیده که اسکندرنامه نظامی از لحاظ موضوع و مقصود شاعر به هیچ وجه طرف مقایسه با تیمورنامه نمی‌تواند باشد و اصلاً نه موضوع و نه مقصود نظامی در اسکندرنامه نظم تاریخ و یا مدح و وصف کسی نبوده بلکه منظور او احیاء یکی از افسانه‌های کهن بوده است.» (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۵)

## ۲-۲- شهرت در مثنوی‌سرایی

اشاره به توانمندی هاتفی در قالب مثنوی و شهرتش در مثنوی‌سرایی از نکات قابل اعتنا در پژوهش‌های اخیر است؛ برای مثال در یکی از پژوهش‌ها آمده است: «هاتفی از مثنوی‌گویان اواخر عهد تیموری است. هاتفی تتبع خمسۀ نظامی کرده است.» (خلوصی، ۱۳۷۹: ۹۱) در تحفه سامی نیز از او به بزرگی یاد شده و آمده است: «زبدۀ شعرا و افصح فصحا بوده و در شعر خصوصاً مثنوی، گوی از اقران می‌رود.» (سام‌میرزا، ۱۳۸۹: ۱۴۰) قاسمی‌گنابادی، خمسۀ سرای عصر صفوی، نیز در مقدمۀ مثنوی‌های خود به استادی او اعتراف کرده است. (خلوصی، ۱۳۷۹: ۹۱)

توصیف جایگاه هاتفی در بین شاعران در ایران و خارج از مرزهای ایران از دیگر مواردی است که در پژوهش‌ها بدان پرداخته شده است: هاتفی «با میراث ادبی خود مخصوصاً با خمسۀ اش در تاریخ ادبیات تاجیک و فارس مقام خاصی دارد.» (گلگشتی در انتشارات فارسی، ۱۳۷۰: ۸۵۴)

۲-۳- ۱- بدیهه‌گویی و آزمایشات شعری: اشاره به بدیهه‌گویی و آزمایشات شعری از دیگر موارد قابل اعتنا درباره هاتفی در پژوهش‌های اخیر است؛ برای نمونه: جامی از هاتفی، خواهرزاده خود، خواست که این سه بیت فردوسی را جواب گوید:

درختی که تلخ است وی را سرشت      گرش بر نشانی به باغ بهشت  
ور از جوی خلدش به هنگام آب      به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب  
سرانجام گوهر به کار آورد      همان میوه تلخ بار آورد

و هاتفی این ابیات را سرود:

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت      نهی زیر طاووس باغ بهشت  
به هنگام آن بیضه پروردنش      ز انجیر جنت دهی ارزش  
دهی آبش از چشمه سلسبیل      در آن بیضه دم دردمد جبرئیل  
شود عاقبت بیضه زاغ، زاغ      برد رنج بیهوده طاووس باغ

جامی به طریق مطایبه بدو گفت که نیکو گفته‌ای ولی چند جا بیضه گذاشته‌ای، تا تمام شود. (صفا، ۱۳۶۶، ۴: ۴۴۶)





۲-۳-۲- تعریض گویی هاتفی با معاصرانش: تعریض گویی شاعران و معاصران هاتفی با او از دیگر نکاتی است که پژوهش‌گران در دهه‌های اخیر بدان پرداخته‌اند؛ برای نمونه: «وقتی عبدالله هاتفی به تعریض گفته بوده که هلالی غزل گو و از نظم مثنوی عاجز است، هلالی در مقدمه مثنوی شاه و درویش (بدون بردن اسم هاتفی) به این نکته اشاره کرده و در این باب گفته است:

در فن شعر چون سخن کردند همه تحسین شعر من کردند  
 بود شخصی به مثنوی مشهور در فنون سخن به خود مغرور  
 لیک فن سخن نورزیده همه گرد فسانه گردیده  
 گفت آری اگر چه بی‌بدل است شیوه شعر او همین غزل است  
 نیست او را ز مثنوی خبری در ره ما ز پیروی اثری  
 مدعی چون مذاق شعر نداشت مثنوی را به از غزل پنداشت

(هلالی، ۱۳۳۷: ۲۲۳)

از این زمان هلالی به نظم مثنوی پرداخته و قصه شاه درویش و پس از آن لیلی و مجنون و صفات العاشقین را ساخته است. (ما و خوانندگان، ۱۳۲۴: ۶۹) پژوهشگران تصریح کرده‌اند که اشاره هلالی به تقلیدی است که هاتفی از خمسه نظامی کرده و در برابر هر کدام یک مثنوی ساخته است. (خواند میر، ۱۳۲۴: ۲۰۸)

خواجه زین العابدین علی نویدی از شاعران قرن دهم، با یک واسطه شاگرد هاتفی به شمار می‌رود. عبدی بیگ نیز در سرایش خمسه‌اش آثار هاتفی را پیش روی داشته و رنگ و بوی تقلید از آثار هاتفی در خمسه‌اش به مشام می‌رسد. او در مجنون و لیلی خود نام شاعرانی را که پیش از او لیلی و مجنون سروده‌اند ذکر کرده و هاتفی و امیر خسرو دهلوی را برتر از دیگران برشمرده است. (بساک و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۱) در مجموعه مقالات همایش هاتفی از ابجدی از شاعران پارسی‌گوی شبه قاره یاد شده که در سرودن انورنامه خویش، تمرنامه هاتفی را پیش روی داشته و سبک هاتفی در تمرنامه در این اثر مشهود است. (ر.ک. قیامتی، ۱۳۹۶: ۵۹)

هرمان اته نوشته است: «تمرنامه جهت شاعرانه بارزی دارد و در واقع نماینده داستان تاریخی است و تصنیفات متأخرتر به مقام آن نمی‌رسد.» (اته، ۱۳۳۷: ۶۲) پاول هرن، تمرنامه را «مهم‌ترین حماسه فارسی پس از شاهنامه» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۸۵۷) خوانده و برخی نیز او را «از بزرگترین مثنوی‌سرایان قرن نهم و دهم و تمرنامه را جزو بهترین حماسه‌های تاریخی» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲: ۴۳۱) دانسته است.

#### ۲-۴- هاتفی شاعری حماسه سرا

در پژوهش‌های معاصر، هاتفی از حماسه‌سرایان عهد خود معرفی شده است؛ برای نمونه: «در نخستین سال‌های تشکیل دولت صفوی، دو تن از بزرگترین شاعرانی که مشغول شاهنامه‌سازی بودند، در خراسان به سر می‌بردند. نخستین از آن دو مولانا عبدالله هاتفی خرجردی جامی بود.» (صفا، ۱۳۶۱: ۵)



در پژوهش‌ها از شاهنامه هاتفی و تقلید او از فردوسی نوشته شده است: «بیشتر تقلیدهایی که از شاهنامه فردوسی شده و منجر به پدید آمدن منظومه‌هایی حماسی گشته است، از حماسه‌های تاریخی، شاهنامه‌ای در بیان فتوح شاه اسماعیل صفوی، منسوب به هاتفی می‌توان یاد کرد.» (درودگریان، ۱۳۷۴: ۷۵)

## ۵-۲- تحلیل محتوایی آثار هاتفی

تحلیل محتوایی آثار هاتفی و گنجاندن آن‌ها در یکی از نواع ادبی به همراه نقد و دیدگاه انتقادی از دیگر مواردی است که در پژوهش‌های اخیر بدان پرداخته شده است: «جواری در کتاب انواع ادبی در نمونه‌ای که برای حماسه مصنوعی در صفحه ۲۱ آورده، شاهنامه شاه اسماعیل سروژ، مولانا عبدالله هاتفی است. به احتمال زیاد «سروژ» غلط چاپی است؛ چراکه چنین اسمی در بین حماسه‌سرایان وجود ندارد. احتمالاً صورت صحیح آن این‌گونه باشد: «شاهنامه شاه اسماعیل، سروده مولانا عبدالله هاتفی.» در اینجا بد نیست یادآور شویم که: به نظر می‌رسد نویسنده کتاب، در تقسیم‌بندی حماسه‌ها و آوردن نمونه‌ها به کتاب انواع ادبی رزمجو توجه داشته است. (رزمجو، ۱۳۷۵: ۷۷)، اما باید در نظر داشت که رزمجو نیز دچار لغزش‌هایی گردیده است؛ چراکه: نام کتاب را معلوم نیست از کجا شاهنامه شاه اسماعیل گفته‌اند؟ اگرچه متن کتاب بی‌ارتباط با شاه اسماعیل نیست. صفا نیز نام کتاب را «شاهنامه هاتفی ذکر کرده است. (صفا، ۱۳۶۱: ۳۶۲)؛ «صفا این کتاب را در بین حماسه‌های تاریخی آورده نه حماسه‌های مصنوعی؛ پس نمی‌توان این کتاب را در بین حماسه‌های مصنوعی ذکر کرد. به فرض این که کتاب بنا به دلایلی در ذیل حماسه‌های مصنوعی قرار گیرد، اما آیا کتابی که تنها ده بیت از آن باقی مانده است، می‌توان در ذیل یک تقسیم‌بندی مهم قرار گیرد؟» (رحیم‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

به شمار آوردن هاتفی به عنوان شاعر حماسی‌سرا، علاوه بر شاهنامه‌ای که از آن یاد شد، به دلیل سرودن تمرنامه است. پرداختن به نسخه خطی این اثر و شرح و تحلیل آن نیز از دیگر مواردی است که پژوهشگران بدان اشاره نموده‌اند.

## ۲-۶- توجه هاتفی به پیشینیان و نقد آنان

یکی دیگر از نکات توجه هاتفی به پیشینیان و ذکر نام شاعران گذشته همراه با قضاوت‌هایی است که درباره آن‌ها به شیوه نقد ادبی داشته است؛ برای نمونه: هاتفی بارها در ضمن اثر خود، به فردوسی اشاره نموده و او را «سحرساز» خوانده است:

نخستین که فردوسی سحرساز سخن را ز شهنامه بستنی طراز  
محیط معانی صدف‌وار بود صدف‌ها پر از در شهوار بود.

(هاتفی، ۱۳۸۷: ۱۷)

واضح است که «هاتفی در سرودن تمرنامه از فردوسی و نظامی، هم از لحاظ موضوع و هم از حیث سبک و شیوه نظم اشعار متأثر شده است.» (حصیری، ۱۳۸۸: ۵۹)؛ در پژوهش‌ها از تقلید هاتفی از شاهنامه در سرودن تمرنامه سخن گفته شده: «تمرنامه هاتفی به تقلید از شاهنامه سروده شده و به چاپ رسیده است.» (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۳)



از موارد دیگری که پژوهشگران بدان پرداخته‌اند، تقلید هاتفی از نظامی» در سرودن آثار خویش است: «او به اقتفا و اقتباس از سبک اسکندرنامه نظامی، منظومه‌ای برای تقدیم به سلطان حسین بایقرا درباره زندگی نیای او، امیر تیمور، به رشته نظم کشید.» به تأثیرپذیری هاتفی از نظامی اشاره نموده‌اند: «تردیدنی نیست که هاتفی قصد تقلید از خمسه نظامی را داشته و خود نیز تصریح به «صرافی پنج گنج» می‌کند ولی در اختتام منظومه که از منظومه‌های دیگرش نام برده فقط نام چهار منظومه دیده می‌شود: لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت منظر و تمرنامه که به جای اسکندرنامه به نظم کشیده است» (همان: ۱۵۹) البته در برخی موارد از تقلید فراتر رفته و «تغییرات و ابتکاراتی» (ر.ک. قیامتی، ۱۳۹۶: ۹۹) داشته است.

در پژوهش دیگری از تقلید هاتفی از علی یزدی سخن گفته‌اند: هاتفی ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی را به عنوان اساس و مأخذ اصلی تاریخ منظوم خود انتخاب کرد:

در اوراق فرسوده روزگار ندیدم ز اسکندر نامدار  
حدیث صحیحی که سازش کنم ز کلک درافشان طرازش کنم  
سخن آفرینان حسان کلام که بودند سر دفتر خاص و عام  
شدند آن حریفان فرخنده رای به سوی تمرنامه‌ام رهنمای

(پشت ورق، ۱۳۷، ۲۳۴)

تیمورنامه یا ظفرنامه شباهت‌هایی با کار بی‌توفیق شمس‌الدین کاشانی و حمدالله مستوفی دارد. در برخی موارد نقد پژوهش‌های انجام شده درباره هاتفی ناقص است؛ برای نمونه: بلوشه اعتقاد دارد که «هاتفی مایه تاریخ منظوم خود را از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی گرفته است». استنباط بلوشه از این دو بیت هاتفی است که در پایان منظومه آمده:

شدند آن حریفان فرخنده رای به سوی تمرنامه‌ام رهنمای  
چو دیدم در آن قصه پر فروغ ظفرنامه‌ام یافتم بی‌دروغ

نظر بلوشه قوی‌ترین استنباطی است که می‌توان از اشاره هاتفی به ظفرنامه کرد و به طور مسلم نمی‌توان «تمرنامه یا ظفرنامه‌ای را که دانایان روزگار هاتفی او را بدان راهنمایی کرده‌اند در مفهوم مطلق روایات و اسناد راجع به تیمور گرفت ولی با نبودن تصریح در مورد نویسنده آن «ظفرنامه یا تمرنامه» که سند منشور هاتفی در نظم «تمرنامه منظوم» بود جای تردید بین «ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی» و «ظفرنامه نظام‌الدین عبدالواسع شامی» که اساس و پایه ظفرنامه شرف‌الدین یزدی می‌باشد، هم‌چنان باقی است.» (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۶)

هاتفی در پایان لیلی و مجنون از نظامی و امیر خسرو دهلوی به عنوان پیشگامان خود یاد کرده ولی از جامی و لیلی و مجنون وی نامی نبرده است. البته از مقایسه لیلی و مجنون جامی با این اثر هاتفی نیز دریافت می‌شود که ارتباط و تأثیری نیز در این دو منظومه وجود ندارد. به احتمال بسیار هاتفی اثر خود را قبل از لیلی و مجنون جامی به نظم درآورده است.



شاعران در ادب فارسی به نظیره‌گویی توجه داشته‌اند: «در پایان دوره تیموری در ایران و هندوستان، چندین شاعر به نظم داستان‌های عاشقانه‌ای که بعضی از آنها استقبال از نظامی گنجوی است، مبادرت می‌ورزند که از آن جمله‌اند: هاتفی خرجردی.» (رضایی‌اردانی، ۱۳۸۷: ۹۱)

در تقلیدها حتی وزن شعر نیز رعایت می‌شده؛ در پژوهش‌ها آمده است: «بعد از نظامی بسیاری از شعرای نامور طریق تقلید و پیروی او را پیش گرفته‌اند از قبیل: امیر خسرو و خواجو و جامی و هاتفی.» (وحید دستگردی، ۱۳۱۸: ۲۱۰)

و شرفنامه-در بحر متقارب که بعد از نظامی شعرای بسیار به تقلید نظامی در این بحر اسکندرنامه ساخته یا به تقلید فردسی‌نامه‌های رزمی پرداخته‌اند از قبیل: تمرنامه هاتفی؛ ولی انصاف آن است که تمرنامه ماندگار و مشهور مانده است.

پژوهشگران درباره تأثیرپذیری هاتفی از نظامی گفته‌اند: «هفت‌منظر اثر هاتفی که اشعار خیال‌انگیز آن از هفت‌پیکر نظامی الگو گرفته است.» (شیلا، ۱۳۷۶: ۱۱۶)؛ برخی نیز «تمرنامه در شرح فتوحات و جنگ‌های تیمور برای جواب‌گویی در مقابل اسکندرنامه نظامی ساخته شد.» (مجیدی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

پژوهشگران به چگونگی تقلید، اهداف و تأثیرپذیری هاتفی از پیشینیان نیز توجه داشته‌اند؛ برای نمونه: برخی از عدم توفیق هاتفی در تقلید از فردوسی، انوری و نظامی سخن گفته‌اند: «هاتفی نیز مثل اسلافش می‌خواست با کار خود شاهنامه تقلیدناپذیر سخنور طوس را تکمیل کند و با انوری رقابت ورزد ولی کار او چنان‌که خود بدان معترف است هیچ پاداش دیگری جز یک شهرت بی‌فایده بین فضایی ایران برایش نداشت.» (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۴) در مجموعه مقالات همایش هاتفی نیز یک مقاله به «تأثیرپذیری هاتفی از شاعران پیشین و تأثیر بر شاعران پس از او» (قیامتی، ۱۳۹۶: ۲۳۹) پرداخته شده است.

ظفرنامه هاتفی مشهورترین منظومه تاریخی دوره تیموری و هاتفی موفق‌ترین سراینده آن دوره در زمینه حماسه‌های تاریخی به شمار می‌رود، با این حال «هیچ یک از پیروان و مقلدان فردوسی نظیری هم‌اورد شاهنامه نیاورده است؛ خواه آنان که علاوه بر انتخاب بحر متقارب، در محتوا هم زمینه‌های دلیری و جنگ و حماسه را کارمایه کرده‌اند مانند: بهمن‌نامه ایرانشاه بن ابی‌الخیر و شاهنامه هاتفی و چه کسانی چون سعدی در بوستان که تنها به گزیدن وزن متقارب بسنده کرده‌اند.» (موسوی‌گرمارودی، ۱۳۸۸: ۶۰۷)

## ۲-۷- ابتکارات و نوآوری‌های هاتفی

توجه به ابتکارات و نوآوری‌های هاتفی در عین تقلید از پیشینیان از نکاتی است که پژوهشگران بدان پرداخته‌اند؛ برای مثال: «اگر چه منبع و اساس این منظومه ظفرنامه منثور بوده است ولی مواد و مطالب تازه به خصوص از لحاظ توجیه قضایا و تحلیل اعمال تیمور و طرز تلقی مخصوص درباره وقایع تاریخی در این منظومه نایاب نیست.» (همان)

پژوهش‌گران درباره سبک تقلید هاتفی گفته‌اند که او در تقلید از آثار گذشتگان مقید به نظیره‌گویی نبوده است؛ در برخی موارد نوع ادبی آثار تقلیدی دگرگون شده است؛ برای نمونه: وی که از خمسه سرایان مقلد نظامی به شمار





می‌رود و چهار مثنوی لیلی و مجنون، شیرین و خسرو، هفت منظر و تمرنامه از اوست، به جای منظومه پنجم که به استقبال مخزن الاسرار می‌باید سرود، ترجیح داده است شاهنامه‌ای در وصف فتوحات شاه صفوی منظوم کند. هاتفی مخالف تقلید کورکورانه از خمسه‌سرایان است. در پژوهش‌های کنونی به نوآوری‌ها و ابداعات شاعرانه او که پر از عناصر اغراق و تعجب و جادوست و هیچ‌گونه پیشینه‌ای برای آن‌ها نمی‌توان یافت، توجه شده است. از جمله ابتکاراتی که در داستان‌پردازی هاتفی بدان اشاره شده این‌که: «زمانی که مجنون با لیلی در مکتب‌خانه آشنا می‌شود لوح لیلی را قرض می‌گیرد و پس از بازگشتن از مدرسه، دوباره شب‌ها به بهانه پس دادن آن روانه سرای لیلی می‌شود یا مکتب رفتنش نیز به بهانه دیدار لیلی بوده، نه درس خواندن. در جایی دیگر مجنون خود را به شکل درویشی درمی‌آورد و لیلی هم به بهانه صدقه دادن با او ملاقات می‌کند.» (سخن عشق، ۱۳۸۲: ۱۲۰)؛ از دیگر نکات مهم در داستان‌پردازی‌ها این که هاتفی «به عناصر عشق زمینی بیشتر توجه دارد و عادات کودکانه بسیاری به مجنون نسبت می‌دهد و به همین دلیل مجنون او با دیگر مجنون‌های مثنوی عاشقانه فارسی متفاوت است.» (همان)

## ۲-۸- آثار هاتفی:

۲-۸-۱- اشاره به آثار جامی و چگونگی تألیف آن‌ها: در برخی پژوهش‌ها به ترتیب زمانی تألیف آثار هاتفی، مشوق اثر و فردی که اثر به نام او تألیف شده پرداخته‌اند؛ برای مثال: «چنانکه از مقدمه کتاب برمی‌آید هاتفی این مثنوی را پس از آن که لیلی و مجنون را به نظم آورد و بر خال خود جامی برخواند هم به اشارت وی به نظم آورد و به نام امیر علیشیر نوائی امیرالامرا سلطان حسین بایقرا منظوم گردانید. بنابر این تألیف و نظم این کتاب به طور مسلم قبل از سال ۸۹۸ سال وفات مولانا جامی، اتفاق افتاده است. در تذکره میخانه فصلی جداگانه برای ساقی‌نامه هاتفی باز شده و ابیات زیادی از آن آورده است. (رک. فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۱۹)

۲-۸-۲- عناوین آثار و ترتیب تألیف آن‌ها: بحث درباره نام آثار و اختلاف عناوین آن (رک. بساک و قاسم‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۴) و تحلیل آن‌ها از دیگر مواردی است که در پژوهش‌ها بدان پرداخته شده است: «لیلی و مجنون: نخستین سروده هاتفی است. هاتفی این مثنوی را به شاه قاسم انوار تقدیم نموده و در ابتدای آن از وی به نیکی یاد کرده است.» (هاتفی، ۱۳۸۷: ۱۴) در پژوهش دیگری آمده است: «با استفاده از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی، منظومه‌ای در سرگذشت زندگانی تیمور پرداخت. نام این منظومه باختلاف «تمرنامه» و «ظفرنامه» آمده است. (افشار، ۱۳۳۲: ۳۵۹) هاتفی از آن به ظفرنامه نام می‌برد:

چو دیدم در آن قصه پرفروغ ظفرنامه‌ای ساختم بی‌دروغ

«شیرین و خسرو از هاتفی شاعر قرن دهم در برابر خسرو و شیرین نظامی به نام امیر علیشیرنوائی که از پایان تمرنامه به دست می‌آید که این دومین مثنوی از پنج گنج، خمسه اوست.» (رادفر، ۱۳۷۱: ۲۵)

«هفت منظر سروده هاتفی خرجردی است. وی با اجازه دایی‌اش، پنج منظومه به نام‌های لیلی و مجنون، شیرین و خسرو، هفت منظر و تمرنامه و شاهنامه سرود.» (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۸۷) هفت منظر با ۲۱۰۰ بیت به بحر خفیف سروده شده و آغاز آن چنین است:



ای نگارنده صحیفه غیب  
کارساز جهان بی سر و بُن  
نام تو صدر صفحه لاریب  
نقش پرداز کارخانه کُن

(هاتفی، ۱۳۹۲: ۷۷)

شاعر پس از مقدمات و نصیحت به فرزند، داستان بهرام را طبق روایت‌های معمول می‌آورد و سپس داستان بهرام را با هفت زیبارو نقل می‌کند.

**۲-۸-۳- مصور بودن نسخه‌های خطی:** از دیگر مواردی که پژوهش‌گران بدان توجه داشته‌اند، مصور بودن نسخه‌های خطی در برخی آثار هاتفی است؛ برای نمونه: در یکی از پژوهش‌ها آمده: «پس از مرگ عبدالعزیزخان شیبانی، در سال ۱۵۵۰م. حمایت حکومتی از مصورسازی نسخ با رکود مواجه گشت. برخی از هنرمندان به دکن مهاجرت کردند و در دربار ملوک قطب شاهیه به کار مشغول شدند. کتبی را که در آنجا مصور ساختند، نظیر نسخه‌ای از خسرو و شیرین هاتفی مورخ ۸۶۵۱ م. دارای همان نوع هیاکل و لباس‌هایی است که در نقاشی بخارای آن عصر آمده، با این همه در آنها ویژگی‌های مشخصه نقاشی گلکنده نظیر قطع بلند و باریک پرده نقاشی، تقسیم‌بندی نقاشی‌ها به حواشی زائد منقوش و رنگ‌گزینی شاخص آبی تیره و صورتی یاسی با هم درآمیخته است.» (شیل، ۱۳۷۶: ۱۱۸)

**۲-۸-۴- توصیف آثار هاتفی و نسخه‌های خطی و چاپ آن‌ها:** پژوهش‌گران در برخی موارد به «توصیف آثار هاتفی و نسخه‌های خطی آن» و «نقد بر سبک و توانمندی‌های ذوقی و ادبی مولف» پرداخته‌اند: «منظومه به نام خدا آغاز می‌شود و تا ۴۸ بیت ادامه دارد (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس تحت شماره ۲۳۴) سپس مناجاتی از پشت ورق ۳ تا روی ورق ۶ آمده که بعضی ابیات آن را می‌توان ذوق نامستقیم هاتفی و آثار انحطاط منظومه‌های حماسی آن دوره را دریافت:

الهی در طاعتم باز کن  
به طاعتگهم محرم راز کن  
ز آب وضو ساز کن چاره‌ام  
ببر گرد عصیان ز رخساره‌ام  
بکن دستم اندر عبادت دراز  
دهش پنجه از پنج نوبت نماز

(هاتفی، ۱۳۸۷: ۳۰)

سستی لفظ و رکت معنی در اشعار هاتفی در این نمونه‌ها کاملاً جلوه‌گر است. «(مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۷)

**۲-۸-۵- تعداد نسخه‌های خطی:** گاهی نیز از تعداد نسخه‌های خطی موجود سخن رفته است. برای نمونه: «نسخ متعددی از منظومه‌های هاتفی در کتاب‌خانه‌های مختلف دنیا وجود دارد فقط در کتابخانه ملی پاریس نه نسخه از تم‌نامه و یک نسخه شامل چهار مثنوی خسرو و شیرین و خسرو و یک نسخه تیمورنامه در حواشی اسکندرنامه و آئینه اسکندری نظامی و امیر خسرو دهلوی و یک نسخه هفت منظر و یک نسخه شیرین و خسرو و یازده نسخه لیلی و مجنون و همچنین اشعار پراکنده‌ای از هاتفی در چند جنگ خطی به نظر نگارنده این سطور رسیده است.» (همان:



۱۵۹) مصححان تمرنامه از وجود نسخه های خطی فراوان موجود سخن گفته و نوشته اند: «تمرنامه به علت شهرت و مقبولیت بیش از حد و اهمیتی که پادشاهان تیموری در نشر و ترویج این اثر از خود نشان دادند، دارای نسخ خطی فراوانی می باشد که بیش از ۱۵۰ نسخه خطی این اثر تاکنون شناخته شده است. (بساک و قاسم زاده، ۱۳۹۳: ۶۵)

از نسخه های خطی هفت منظر دوازده نسخه شناخته شده است و از آن یک چاپ سنگی هم شده است. قدیمی ترین نسخه خطی، نسخه ای است که در سال ۹۶۳ هجری قمری کتابت شده و دارای «تصویرهای رنگینی از مجلس های هفت شاه دختر و بهرام گور» است و دارای ۲۲۲۱ بیت می باشد. ویراستار به جز این نسخه از سه نسخه دیگر نیز در چاپ حاضر استفاده کرده است و در مقدمه کتاب از غلطهای فاحش در نسخه های مورد استفاده اش نیز یاد کرده است. (گلگشتی در انتشارات فارسی، ۱۳۷۰: ۸۵۴)

۶-۸-۲ - فهرست نویسی آثار هاتفی: برخی از پژوهش ها درباره هاتفی به فهرست نویسی آثار او اختصاص یافته است که بیانگر دقت پژوهش گران در ثبت نسخه های خطی موجود و نشانه اهمیتی است که هاتفی برای آنان داشته است. برای مثال: خسرو شیرین، تألیف عبدالله هاتفی جامی متوفی ۹۲۷. دارای ۸۰ ورق به قطع ۱۷×۲۷ هر صفحه ۱۲ سطر به خط نستعلیق بسیار عالی، از خطوط قرن دهم. تاریخ کتابت محو شده است. متضمن یک سرلوح و پنج صفحه تصویر که سه تایی آنها محو شده و تمام صفحات متن و حاشیه با کاغذهای الوان متن زرافشان و مجدول به طلا و صفحه اول و دوم فواصل سطور طلا انداز است. جلد مقوای منقش از بیرون و اندرون دارای گل و بوته و طیور. (فروزانفر و مجیدی، ۱۳۷۰: ۱۵۹). آغاز:

خداوندا به عشقم زندگی ده به فرقم تاج عز بندگی نه

(هاتفی، ۱۹۹۷: ۱)

پایان:

به نیکویی چنان کن نامدارش که باشد بر سعادت ختم کارش

(همان: ۱۳۶)

درباره تمرنامه نیز فهرست نویسی تخصصی مشاهده می شود: «تمرنامه: ملا عبدالله هاتفی خبوشانی جامی، ش ۵۱۳۵، نستعلیق سده ۱۰، عنوان نستعلیق درشت تر و زرین، جدول زر و لاجورد، آغاز و انجام نسخه افتاده و بر پاره ای برگها اثر آبدیدگی پیداست. تمرنامه که ظفرنامه نیز نامیده می شود یکی از خمسه اوست که حدود ۴۶۵۶ بیت است، ۷۳ برگ، کاغذ سمرقندی نخودی، جلد تیماج قهوه ای. آغاز نسخه ما:

به پاسخ بدین گونه بگشود لب که شاه عجم شهریار عرب

انجام نسخه ما:

پس ز یورش شد چو رخت اساس ز تسبیح او دانه کرد التماس

(تیموری، ۱۳۴۳: ۳۱۷)



۷-۸-۲- تصحیح و آثار چاپی هاتفی: از دیگر مواردی که پژوهشگران بدان پرداخته‌اند، «اشاره به آثار چاپ شده از هاتفی در ایران و خارج از ایران» بوده است. برای نمونه: شیرین و خسرو اثر هاتفی، توسط آکادمی علوم اتحاد شوروی- انستیتو خاورشناسی به چاپ رسیده است. مشخصات کتاب: شیرین و خسرو، متن انتقادی و مقدمه به اهتمام: سعدالله اسدالله یف. انتشارات دانش، شعبه ادبیات خاور. ۱۹۷۷. مسکو ۱۶۱ صفحه + فهرست منابع و متن روسی در ۳۹ صفحه. «عناصری، ۱۳۷۰: ۱۲۲۴»

۲-۸-۸- توصیف آثار و مقایسه با آثار دیگران: برخی از پژوهشگران آثار هاتفی را توصیف نموده‌اند. تمرنامه را تنها کتاب تاریخ منظوم عصر تیموری دانسته‌اند؛ برای مثال: بلوشه فرانسوی در این باره آورده است: «تنها کتاب تاریخ منظومی که از سرنوشت اندوهبار تواریخ منظوم شمس‌الدین کاشانی و حمدالله قزوینی به سلامت جسته است، تاریخ تیمور هاتفی است.» (مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۳) در برخی موارد آن را با کتاب‌های دیگر مقایسه نموده‌اند.

توصیف کتاب‌شناسی و نسخه‌های خطی آثار هاتفی از دیگر مواردی است که پژوهشگران بدان توجه داشته‌اند: «هاتفی هفت منظر را به تقلید از هفت پیکر نظامی گنجوی ساخته و مانند نظامی پیش از آغاز داستان بهرام، اشعاری در زیر عنوان‌های «در صفت معراج»، «در بیان نصیحت فرزند»، و «سبب نظم کتاب» آورده است. قسمت اساسی منظومه «مجلس آراستن شاه بهرام» در روزهای هفته است. در هفت منظر هاتفی با هفت پیکر نظامی از زمین تا آسمان است.» (گلگشتی در انتشارات فارسی، ۱۳۷۰: ۸۵۵)

«مثنوی هفت منظر عبدالله هاتفی را میرعلی هروی در بخارا کتابت کرد. (محفوظ در بنیاد گلبنکیان، واشنگتن). این نسخه، در بردارنده چهار نگاره است که دو تا از آن‌ها منسوب به شیخ‌زاده است. در این نگاره‌ها، ترکیب‌بندی‌های خطی دو بعدی با پیکره‌های متعدد، شبیه نگاره‌های کارگاه «کلدی محمد سلطان» می‌باشد. در یکی از نگاره‌ها نام شیخ‌زاده، ثبت شده است.» (آژند، ۱۳۸۶: ۳۱)

۲-۸-۹- انعکاس آثار هاتفی در نسخه‌های خطی غیر فارسی: در تاریخ گجرات که به زبان عربی است نوشته شده: «هجموا علی المخیم و بسم تجدوا الا الاشغال. فانتبهوا ما وجدوا حتی الکتب و کان من حملتها تمرنامه به مولانا هاتفی به خط الاستاذ سلطان علی و تصویر الاستاذ بهزاد. تمرنامه با تیمورنامه مولانا هاتفی خرجردی به نظر می‌رسد در سال (م ۱۰۳۶) در کتابخانه میرزا عبدالرحیم خانخانان در احمدآباد گجرات موجود بوده است.» (ابراهیمی‌ناغانی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

۲-۸-۱۰- نگاره‌های موجود در آثار هاتفی: اشاره به نگاره‌های آثار هاتفی از مواردی است که پژوهشگران در نوشته‌های خود بدان اشاره کرده‌اند: «تیمورنامه هاتفی با هفت نگاره (موزه بریتانیا)» از جمله آثاری هستند که در دوره عبدالله خان در کتابخانه سلطنتی اجرا شدند.» (آژند، ۱۳۸۶: ۳۲)

۲-۹- نقد سبک‌شناسی آثار هاتفی





برخی از ارزش سبکی آثار هاتفی سخن گفته و از تعبیرهایی چون: «کمال سبک و بلندی شعر» برای توصیف تمرنامه او به کار برده‌اند. (رک. مرتضوی، ۱۳۴۱: ۱۵۳)

۲-۹-۱- **بسامد واژگان:** پژوهش گران به بسامد واژه‌ها و سیر معنایی آن در آثار هاتفی پرداخته‌اند و همان را دستاویزی قرار داده و به یک مقاله علمی تبدیل نموده‌اند؛ برای نمونه مقاله‌ای با عنوان «مجنون بهانه پرداز» چاپ شده است که نویسنده در آن بر اساس واژه بهانه در بیت:

روز دگر آن بهانه پرداز کرد از سر نو بهانه آغاز

سیر معنایی این کلمه را در مثنوی «لیلی و مجنون» هاتفی دنبال کرده است. (رک. سیدغراب، ۱۳۸۲: ۲۷)

۲-۹-۲- **اوزان عروضی آثار هاتفی:** به اوزان عروضی آثار هاتفی و تبعیت کنندگان از آن‌ها در پژوهش‌ها اشاره شده است. «در تتبع مثنویات هفت‌گانه استادان ما تقدم رحمهم الله رقم زده کلک جواهر سلک گشته است و امثله اوزان سبعة کشیده، چنانچه: مثنوی ششم، «لیلی و مجنون» است بر مثال کلام کتاب لیلی و مجنون مولانا هاتفی نورالله مرقد که وزن آن از مزاحفات بحر هزج مسدس است. برین وزن شاهنامه فردوسی است و اسکندرنامه شیخ نظامی و خردنامه مولانا عبدالرحمن جامی و فراق نامه سلمان و تیمورنامه هاتفی.» (میرزایف، ۱۳۵۳: ۷۰۵)

۲-۹-۳- **نقد و بررسی ساختاری و ادبی:** از دیگر مواردی که در پژوهش‌ها بدان اشاره شده، نقد و بررسی ساختاری، بیان ویژگی‌های ادبی و مقایسه آثار هاتفی با سایر آثار ادبی است. برای نمونه: «شاهنامه هاتفی جامی در نیمه اول قرن دهم به وسیله هاتفی جامی شاعر خراسان شاهنامه‌ای در بحر متقارب درباره جنگ‌ها و پیروزی‌های شاه اسمعیل صفوی سروده شده ولی هاتفی هم مانند دقیقی زود در گذشته و بیشتر از ۱۲۰۰ بیت از اشعارش برجای مانده است. اشعار شاهنامه هاتفی از لحاظ ارزش هنری و ادبی کمتر از شاهنامه دقیقی و اسدی می‌باشد.» (صفایی، ۱۳۵۴: ۱۳۱) این شاعر به عنوان یک شاعر مثنوی گوی در همه آثارش موفق بود. «سخنش به جای توسل به اطلاعات علمی و فنی ساده و روان و مشحون از خیالات باریک و تشبیهات دقیق است.» (خلوصی، ۱۳۷۹: ۹۰)

۲-۹-۴- **نقد آثار هاتفی از دیدگاه سبک شناسی:** به زیبایی‌های ادبی و نکات سبک‌شناسی آثار هاتفی نیز در پژوهش‌های معاصر پرداخته شده است؛ برای مثال: «عنصر نغمه حروف و ملازمت لفظ و معنی در سروده‌های حماسی دیده می‌شود. این ویژگی را افزون بر آثار حماسی کهن می‌توان در سروده‌های شاعران متأخرتر چون عبدالله هاتفی نیز مشاهده کرد:

فصلنامه علمی، ادبی و پژوهشی **زبان و ادبیات فارسی**  
چکچاک خنجر فشافش تیر برآمد ز نورد برنا و پیر

(هاتفی، ۱۳۸۷: ۵۷)

که حروف توانسته‌اند صحنه‌ای ملموس و محسوس از کارزار به نمایش بگذارند. (فضیلت، ۱۳۷۹: ۳۶۳)

۲-۹-۵- **نقد و بررسی محتوایی:** نقد و بررسی اشتباهات مطرح شده درباره هاتفی از دیگر نکاتی است که پژوهش‌گران در تألیفات خود بدان پرداخته‌اند؛ برای نمونه: «نویسنده کتاب "تک‌نگاری سبوری"، دکتر اندرو جوزف



نیومن، از هاتفی به عنوان «ولد» جامی یاد کرده که تن به پوشیدن تاج قزل‌باشی داد؛ این در حالی است که هاتفی از مثنوی‌سرایان معروف قلمرو تیموریان است که از سوی شاه اسماعیل مأمور به تدوین یک «شاه‌نامه اسماعیل» هم شده بود و خواهر زاده جامی است نه «ولد» او. (قرقلو، ۱۳۸۷: ۹۶)

۲-۹-۶- پژوهش‌های انتقادی: اشاره به پژوهش‌های انتقادی از دیگر موارد قابل اعتنا در پژوهش‌های مورد مطالعه ماست؛ برای نمونه: «اسدالله‌یف از چهره‌های ادبی و در شمار پژوهش‌گران امروز تاجیکستان است. او با مطالعات و تحقیقات در زمینه پیشینه فرهنگی تاجیکستان و نیز شرح و گزینش متون و دواوین فارسی شهرت یافته است. دو اثر از آثار و نوشته‌های وی عبارتند از: الف- متن انتقادی داستان «لیلی و مجنون» هاتفی با تصحیح و مقدمه سعدالله اسدالله‌یف، دوشنبه ۱۹۶۲. ب- متن انتقادی داستان «شیرین و خسرو» هاتفی با پیشگفتار، مسکو ۱۹۷۷. (اسدالله‌یف، ۱۳۷۲: ۳۰)

### ۳- نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های انجام شده درباره هاتفی به مباحث زیر اشاره شده است: ۱- قدرت خیال هاتفی از یک سو در صحنه آرایبی داستان‌های عاشقانه ستایش شده ولی برخی پژوهش‌گران درک نادرست هاتفی از آثار ادبی پیشینیان را نقد کرده‌اند. ۲- شهرت هاتفی در مثنوی‌سرایی و تبیین جایگاه او از دیگر موارد قابل اعتنا در پژوهش‌های اخیر است. ۳- در بسیاری از پژوهش‌ها به بدیهه‌گویی و آزمایشات شعری هاتفی اشاره شده است. ۴- معرفی نمودن هاتفی به عنوان یکی از شاعران بزرگ و حماسه‌سرای عهد خود از دیگر مباحث مطرح شده است. پژوهش‌گران درباره تم‌نامه که به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده، بحث نموده‌اند. درباره این که آثار هاتفی از حماسه‌های تاریخی است و نه حماسه‌های مصنوع، بحث شده است. ۵- تحلیل محتوایی آثار هاتفی و گنجاندن آن‌ها در یکی از انواع ادبی به همراه نقد و دیدگاه انتقادی از موارد متعدد طرح شده در پژوهش‌های مورد مطالعه بوده است. اعتراف شاعران به استادی هاتفی در پژوهش‌های اخیر از نکاتی است که مکرر نقل شده است. ۶- توجه هاتفی به پیشینیان با ذکر نام آنها از دیگر مباحث طرح شده در پژوهش‌های مورد مطالعه بوده است. در برخی از پژوهش‌ها از عدم توفیق هاتفی در تقلید از فردوسی، انوری و نظامی سخن گفته شده است و البته در برخی از پژوهش‌ها نیز هاتفی موفق‌ترین سراینده آن دوره در زمینه حماسه‌های تاریخی به شمار رفته است. پژوهش‌گران از نوآوری‌های هاتفی نیز بحث کرده و سبک تقلید او را نقد کرده‌اند. ۷- قضاوت‌هایی که درباره هاتفی و آثارش به شیوه نقد ادبی طرح شده است، از مهم‌ترین نکات پژوهش‌ها به شمار می‌رود. ۸- در برخی از پژوهش‌ها نیز به ترتیب زمانی تألیف آثار هاتفی، مشوق اثر و فردی که اثر به نام او تألیف شده، اشاره شده است. ۹- مصور بودن نسخه‌های خطی آثار هاتفی از نکاتی است که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند. ۱۰- در برخی پژوهش‌ها به توصیف آثار هاتفی و نسخه‌های خطی، تعداد نسخه‌های خطی موجود، به فهرست‌نویسی و به آثار چاپ شده از او در داخل و خارج از ایران پرداخته‌اند. ۱۱- پژوهش‌گران برای نقد اشعار هاتفی و استنادبخشی به سخنان نقدگونه خود در مواردی علاوه بر بیان محاسن شعری هاتفی به بیان سستی اشعار او نیز پرداخته و از ارزش سبکی آثارش سخن گفته‌اند. ۱۲- اشاره به نکات سبک‌شناسانه



از قبیل: بسامد یک واژه و سیر معنایی آن در آثار هاتفی، اشاره به اوزان عروضی آثار هاتفی و بیان ویژگی‌های ادبی و مقایسه آثار او با پیشینیان و معاصران، اشاره به زیبایی‌های ادبی از جمله مهم‌ترین نکات مطرح شده در پژوهش‌های انتقادی به شمار می‌رود.



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



### منابع

- ابراهیمی ناغانی، حسین (۱۳۸۲) «تجلی انسان در نگارگری بهزاد»، کتاب ماه هنر، ش ۶۳ و ۶۴، (۱۰۱-۹۸).
- اته، کارل هرمان (۱۳۳۷) تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسدالله یف، سعدالله (۱۳۷۲) «کنیه و القاب کمال خجندی»، کیهان فرهنگ، ش ۱۰۳، (۳۰-۳۱).
- افشار، ایرج (۱۳۳۲) «ظفرنامه»، یغما، ش ۶۶، (۳۶۰-۳۵۶).
- آژند، یعقوب (۱۳۸۶) «مکتب نگارگری بخارا»، مطالعات هنرهای تجسمی، ش ۲۶، (۳۳-۲۸).
- بساک، حسن و قاسم زاده شانديز، محمدرضا (۱۳۹۳) «تصحیح انتقادی تَمرنامه هاتفی؛ متنی حماسی متأثر از شاهنامه فردوسی»، متن شناسی ادب فارسی، ش ۲۳، (۷۴-۵۷).
- تیموری، مرتضی (۱۳۴۳) «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات اصفهان»، مجله: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۱، (۳۲۸-۳۱۰).
- حصیری، افسانه (۱۳۸۸) «تحقیق و تاریخ: حماسه‌سرایی در دوره دوم تاریخ اسلامی»، کیهان فرهنگی، ش ۲۸۰ و ۲۸۱، (۵۶-۵۹).
- خلوصی، محمدتقی (۱۳۷۹) «جایگاه نظامی در مثنوی سرایی و شناختی از مقلدان مشهور وی»، شناخت، ش ۲۸، (۹۶-۷۸).
- خواند میر، غیاث‌الدین (۱۳۲۴) رجال کتاب حبیب السیر از حمله مغول تا مرگ شاه اسماعیل اول، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، یادگار
- دروذگریان، فرهاد، (۱۳۸۸) «شاهنامه نواب عالی و قاسمی گنابادی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۱۳۹، (۷۴-۸۳).
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵) «هفت‌پیکر نظامی و نظیره‌های آن»، مجله زبان و ادبیات فارسی، ش ۵۲ و ۵۳، (۱۱۰-۶۷).
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱) «نظیره‌پردازان خمسه نظامی»، کیهان فرهنگی، ش ۸۷، (۳۰-۳۳).
- رحیم پور، مهدی (۱۳۸۵) «کتابی دیگر درباره انواع ادبی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۱۰۶، (۱۱۵-۱۰۸).
- رزمجو، حسین (۱۳۷۵) انواع ادبی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲) انواع شعر فارسی، شیراز: نشر نوید.





- رضایی اردانی، فضل‌الله (۱۳۸۷) «نقد تحلیلی-تطبیقی منظومه «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی»، پژوهشنامه ادب غنایی، ش ۱۱، (۸۷-۱۱۲).
- ریپکا، یان (۱۳۸۳) تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: سخن.
- سام میرزا صفوی (۱۳۸۹) تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر.
- سیدغراب، علی اصغر (۱۳۸۲) «مجنون بهانه پرداز (بهانه در لیلی و مجنون هاتفی)»، نشر دانش، سال بیستم، شماره دوم، تابستان، (۲۷-۳۲).
- شیلا، بلر (۱۳۷۶) «معماری و هنر در آسیای مرکزی در دوره ازبکان»، ترجمه اردشیر اشراقی، ایران شناخت، ش ۶ (۱۲۱-۱۰۰).
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹) حماسه سرایی در ایران، تهران: نشر امیرکبیر.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۱) «حماسه های تاریخی و دینی در عهد صفوی»، ایران نامه، ش ۱، (۲۱-۵).
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۴) «شاهنامه و شاهنامه سرایان»، هنر و مردم، ش ۱۵۳ (۱۲۹-۱۳۳).
- عنصری، جابر (۱۳۷۰) «مناظره خسرو پرویز با فرهاد/ محنت زده رنج خانه صبوری»، چیستا، ش ۸۰، (۱۲۱۴-۱۲۲۴).
- فخرالزمانی، ملا عبدالنبی (۱۳۴۰) تذکره میخانه، به اهتمام گلچین معانی: سپهر.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان و مجیدی، عنایت‌الله (۱۳۷۰) «فهرست بعضی از کتب کتابخانه سلطنتی ایران»، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، ش ۱۸، (۲۴۰-۱۳۹).
- فضیلت، محمود (۱۳۷۹) «سبک شناسی حمله حیدری ملا بمانعلی راجی کرمانی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۶، (۳۶۱-۳۸۰).
- قرقلو، کیومرث (۱۳۸۷) «نوزایی ایرانی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۱۹، (۹۴-۹۹).
- قیامتی، علیرضا، (۱۳۹۶) مجموعه مقالات همایش بین‌المللی هاتفی، مشهد: طنین قلم.
- مجیدی نیا، محبوبه (۱۳۹۱) «نگاهی به اوضاع شعری دربار صفوی: نقدی بر نظریه خروج شعر از دربار»، پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، ش ۸، (۱۵۶-۱۲۵).
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۴۱) «مقلدین شاهنامه در دوره مغول و تیموری و تاریخ منظوم شمس‌الدین کاشانی»، دانشکده ادبیات تبریز، ش ۶۱، (۱۴۱-۱۷۵).
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸) «شاهنامه و منظومه دینی حماسی علی‌نامه»، پیام بهارستان، دوره ۲، ش ۵، (۶۱۸-۶۰۷).



میرزایف، عبدالغنی (۱۳۵۳) «بدرالدین کشمیری و اشتباهاتی در تعیین تألیفات او»،  
وحید، ش ۱۳۲، (۷۰۰-۷۱۳).

وحید دستگردی، محمد (۱۳۱۸) «نظامی گنجوی»، /ارمغان، دوره ۲۰، ش ۴، (۲۲۴-۲۰۹).

هاتفی، عبدالله، (۱۹۸۸) هفت منظر، مقدمه و متن علمی-انتقادی از جابلقا داد علیشایف، محرر مسؤول اعلی  
خان افصحزاد، آکادمی علوم تاجیکستان، انستیتوی شرق شناسی، دوشنبه: نشریات دانش.  
هاتفی خرجردی، عبدالله (۱۳۹۲) هفت منظر، به تصحیح حسن ذوالفقاری و سیاوش مرشدی، تهران:  
رشدآوران.

هلالی جغتایی (۱۳۳۷) دیوان، به تصحیح سعید نفیسی، کتابخانه سنایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رئیس‌جمهور  
مجمع‌التعالیم عالی  
مجمع‌التعالیم عالی  
مجمع‌التعالیم عالی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



## *Literary position of Hatefi in contemporary research*

*Seyed ali keramatimoqadam<sup>1</sup>*  
*Seyede ameneh hosinijahangir<sup>2</sup>*

### **Abstract**

Hatefi Khargherdi one of the great poets of the Timuri period. Although at the beginning imposed from poets such as Ferdowsi and nezami and created his works by imitating them But he was able to take initiatives. Hatefi's literary creativity in poetry has made him one of the prominent poets of the ninth and tenth centuries of Herat and one of the most talented poets. Although Hatefi was a great poet and he was famous in his time but in recent years researchers have paid less attention to the literary position of Hatefi. Now the question is: Researchers in recent times in their works what is the place for a hatefi? and what image they have drawn from him in the minds of the readers? This research has been criticized articles that are written about Hatefi in the recent period. In the following is described Hatefi position of literary based on the discussed issues in contemporary research. In recent research, describing the power of imagination, improvisation, Hatefi's success in epic poetry, pointing to innovations, poetic merits and addressing his literary and stylistic beauties are among the most important points made about Hatefi's works.

**Keywords:** Hatfi, literary position, contemporary research and subject classification

<sup>1</sup> . Assistant Professor Farhangian University, Shahid Beheshti Mashhad, mashhad ,Iran.//Email: karamatiseyedali@yahoo.com.

<sup>2</sup> . PhD student in Persian language and literature, Islamic Azad University of Mashhad. Mashhad, Iran.